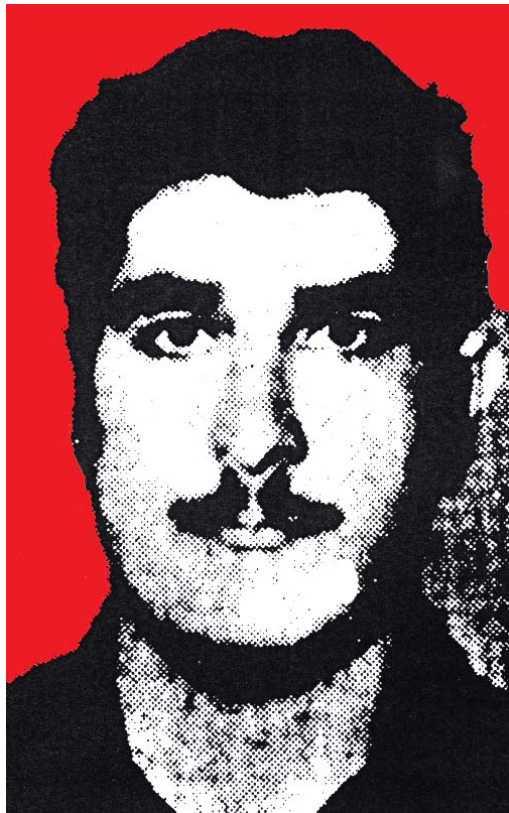


فدایی خلق احمد زیبرم

۱۳۲۳-۱۳۵۱



احمد در سال ۱۳۲۳ در یک خانواده ماهیگیر فقیر در بندر انزلی در دامان فقر و زحمت و تلاش مداوم، به دنیا آمد. احمد از همان سنین کوچکی هم پای پدر برای تامین معاش خانواده مشغول به کار شد و برای ادامه تحصیلش به باربری در بندر پرداخت. با قدغن اعلام شدن صید ماهی از سوی شیلات برای ماهیگیران آزاد، تنگ دستی بیشتری بر خانواده احمد تحمیل گردید. به ناگزیر به استخدام شیلات درآمد. کار او در شیلات صید ماهی با تورهای بزرگ بود و سختی کار از وی انسانی مقاوم ساخت. بعد از اتمام سربازی به عنوان کتابدار در کتابخانه شهرداری به کار مشغول گردید. با کارگران و توده های فقیر شهری درآمیخت و از زندگی شان آموخت و تا آن جا که در امکانش بود در روشنگری میان آنان کوشید. در همین دوره از زندگی اش بود که در کار گروهی شرکت نمود و مطالعات مارکسیستی خود را در کنار دیگر رفقایش ادامه داد. با پذیرش مشی مسلحانه توسط گروه، احمد به عنوان یک انقلابی حرفه ای تمام زندگی اش را برای مبارزه نهاد. در آبان ماه

۱۳۴۹ همراه چند رفیق دیگر با موفقیت بانک و نک را مصادره می کند. در فروردین ۱۳۵۰ به دنبال عملیات موفق آمیز حمله به کلانتری قلهک و اعدام فرسیوی خائن توسط رزمندگان فدایی، رژیم عکس ۹ نفر از رفقای را که شناخته شده بودند با قراردادن جایزه ۹۰۰ هزار تومانی برای سر آن ها، منتشر می کند. احمد یکی از آن رفقای ۹ نفره بود. در اردیبهشت ۱۳۵۰ در یک تیم چریکی به فرماندهی رفیق اسکندر صادقی نژاد عملیات مصادره موجودی بانک آیزنهاور را با موفقیت پیش می برد. در خرداد ۱۳۵۰ رفیق احمد، همراه با رفیق عباس جمشیدی رودباری و ۳ رفیق دیگر در خانه تیمی شان در خیابان طاووسی، در محاصره دشمن قرار می گیرند. آن ها موفق می گردند که حلقه محاصره را شکسته و از منطقه دور گردند. در سحرگاه ۲۸ مرداد ۱۳۵۱ رفیق با هدف عملیات ضربتی از پایگاه خود خارج می گردد اما کمی دورتر با مامورین مسلح روبرو می گردد. در جنگ و گریزی که آغاز می شود زخمی می گردد. حماسه صمیمیت و مقاومت احمد در آن روز تا به امروز ورد زبان همه کسانی است که در مبارزه روزهای دشواری را از سرگذرانده بودند. رفیق احمد بعد از ورود به منزلی در منطقه به خاطر زخمی شدنش از زن صاحبخانه چادری درخواست می کند که زخم هایش را با آن ببندد و زمانی که می خواهد پول چادر را به زن بپردازد زن از احساس مسئولانه ای که احمد در آن لحظات نبرد مرگ و زندگی داشته شگفت زده می شود و حاضر نمی شود که پول را بپذیرد. احمد بعد از اطمینان از امن بودن جای ساکنین خانه، نبرد آخرین خود را آغاز می کند و تا آخرین گلوله به رزم سرافرازانه اش ادامه می دهد.

یادش گرامی باد!